

در کشاکش عاملیت و ساختار



کارالا ایستیس *

ترجمه محمود دیبایی

- Making Sense of Social Movements
- Nick Crossley
- Open University Press
- 2002

اما این مدل با مقولات فرهنگ، ایده‌ها و سؤالات معنایی به گونه‌ای نادرست برخورد می‌کند، «به شکلی که گویی اینها منابعی همانند منابع مادی‌اند و می‌توان به همان شکل آنها را دستکاری کرد.» (ص ۱۴۱). به علاوه به گفته کراسلی، تاکنون تقریباً کل نظریه جنبشهای اجتماعی آن قدر بر دولت و اعتراض سیاسی متمرکز بوده است که اکنون نمی‌تواند غنای پدیدارشناختی کنشهای جنبشی در جوامع معاصر را در برگیرد.

بی‌شک هیچ یک از این انتقادات جدید نیستند. اما چیزی که شاخص است، شیوه‌ای است که از طریق آن کراسلی تمام این مسائل را به عنوان عواقب یک نقطه ضعف واحد و بزرگ‌تر برمی‌شمارد، و برای آن نیز یک راه حل نامتعارف دارد.

کراسلی معتقد است که نظریه امریکایی جنبشهای اجتماعی تاکنون بدون ارجاع به یک فهم وسیع‌تر از نظامهای اجتماعی به پیش رفته است. به طور خاص، در نظریه جنبشهای اجتماعی هیچ مدل منسجمی از رابطه بین عاملیت و ساختار در یک جامعه تمایز یافته وجود ندارد. در فصل پایانی کتاب، کراسلی راه حلی را پیشنهاد می‌کند که عبارت است از برداشتی (عامداً) ساده‌انگارانه از نظریه رفتار بوردیو:

[(سرمایه) (تمایلات)] + زمینه = رفتار

به گفته کراسلی، تمایلات، لولای بین عاملیت و ساختار است؛ یعنی واحد ساختمانی اصلی نظریه‌ای کلان از کنش جمعی که تئوری جنبشهای

نیک کراسلی در کتاب فهم جنبشهای اجتماعی شیوه‌ای جسورانه را انتخاب کرده و از این طریق، در واقع حوزه مطالعات جنبشهای اجتماعی را گامی بزرگ به جلو رانده است. شاید بهتر باشد برای توصیف کار کراسلی از اصطلاح «کجروی» استفاده کنیم؛ زیرا در جایی که همه به یک سو می‌روند، او طرف مقابل را اختیار کرده است. پیشنهاد کراسلی این است که نظریه جنبشهای اجتماعی را در چارچوب فهمی کلی‌تر از کنش جمعی، یعنی «نظریه رفتار» پیر بوردیو قرار داده و آنگاه مدل «ارزش افزوده پیدایش جنبشها» متعلق به نیل اسملسر را به کار بندیم. گرچه این‌گونه استدلال نقاط ضعف خاص خود را دارد، اما ایده‌هایی که در پشت آن نهفته، مهیج و ارزشمند است.

هفت بخش از نه بخش کتاب به انتقادی زمان - محور از نظریه امریکایی جنبشهای اجتماعی اختصاص یافته است تا از این طریق نشان دهد که مشکلی در این میان وجود دارد که باید آن را حل کرد. کراسلی پدیدآورندگان مدلهای رفتار جمعی را به دلیل برقرار نکردن رابطه‌ای روشن بین عاملیت و ساختار مقصر می‌شمارد و سپس به صاحب‌نظران مکتب بسیج منابع، به دلیل تکیه بیش از حد بر نظریه کنشگر عقلانی با بهره‌گیری از مفروضاتی غیرقابل دفاع و نتایج تجربی ضعیف، حمله می‌کند.

نظریه «فرایند سیاسی» را می‌توان به دلیل تأکید بر خزانه کنشهای مخاصمه‌آمیز، چارچوبها و دوره‌های اعتراض، یک پیشرفت به حساب آورد؛

پیشنهاد کراسلی این است که نظریه جنبشهای اجتماعی را

در چارچوب فهمی کلی تر از کنش جمعی،

یعنی «نظریه رفتار» پیر بوردیو قرار داده

و آنگاه مدل «ارزش افزوده پیدایش جنبشها»ی

نیل اسملسر را به کار بندیم

کراسلی پدیدآورندگان مدلهای رفتار جمعی را

به دلیل برقرار نکردن رابطه ای روشن بین عاملیت

و ساختار مقصر می شمارد و سپس

به صاحب نظران مکتب بسیج منابع،

به دلیل تکیه بیش از حد بر نظریه کنشگر عقلانی

با بهره گیری از مفروضاتی غیرقابل دفاع

و نتایج تجربی ضعیف، حمله می کند

عاملان دست به کنش می زنند، بازاندیشی می کنند،

آرزو می کنند، درک می کنند و... اما آنها همیشه این امور را

از طریق تمایلات به ارث رسیده از موقعیتهایی که

در آن اجتماعی شده اند انجام می دهند،

که به نوبه خود به وسیله پویاییهای وسیع تر

جهان اجتماعی شکل گرفته اند

اجتماعی به آن نیاز دارد.

«عاملان دست به کنش می زنند، بازاندیشی می کنند، آرزو می کنند، درک می کنند و... اما آنها همیشه این امور را از طریق تمایلات به ارث رسیده از موقعیتهایی که در آن اجتماعی شده اند انجام می دهند، که به نوبه خود به وسیله پویاییهای وسیع تر جهان اجتماعی شکل گرفته اند.» (ص ۷۵) در صورتی که مایل به تبیین این باشیم که چرا عاملان به شیوه های خاص خود دست به کنش می زنند، باید فرایندهای معناسازی را مورد فهم قرار دهیم.

بوردیو همچنین مدلی از جامعه تمایز یافته را ارائه می دهد. شیوه های فهم در امتداد خطوط ساختاری، تاریخی و جغرافیایی هر اجتماع متفاوت اند. به علاوه، جوامع به صورت افقی نیز به فضاها یا زمینه های اجتماعی (حقوقی، هنری...) کم و بیش گسسته تمایز یافته اند. ارزش سرمایه ممکن است در یک زمان تا اندازه زیادی مختص به یک زمینه باشد. به علاوه، تمایزیابی عمودی از طریق توزیع نابرابر اشکال مختلف سرمایه - اقتصادی، فرهنگی، نمادین و اجتماعی - آشکار می شود. کنشگران نه تنها به شکل های متفاوت آرایش یافته اند، بلکه از منابع نابرابری نیز برخوردارند.

متأسفانه تنها در اواسط فصل آخر است که کراسلی نشان می دهد مفاهیم بوردیو را چگونه می توان برای مطالعه تجربی جنبشهای اجتماعی به کار برد؛ و این بخش ضعیف ترین قسمت کتاب است. آیا این مدل قدرت

تبیینی نیز دارد یا اینکه صرفاً توصیفات جالب تری از جنبش های اجتماعی به دست می دهد؟ کراسلی تلاش زیادی برای پاسخ دادن به این پرسش نکرده و تنها به چند ایده و سوسه انگیز اکتفا می کند.

برای مثال، کراسلی پیشنهاد می کند که ما از مفاهیم زمینه و سرمایه برای تبیین وجود و موفقیت انواع سازمانی مختلف در درون یک جنبش اجتماعی استفاده کنیم. ممکن است یک سازمان جنبش اجتماعی که در تولید اخبار ارزشمند تخصص دارد و از ارتباطات و مهارت لازم برای برآورده کردن تمایلات رسانه ها برخوردار است، بتواند در بازی رسانه ای نیرو و تحرکی ایجاد کند، اما به شکل غم انگیزی در بازی در زمینه های حقوقی یا سیاسی ناتوان باشد. اما این ایده واقعاً تا چه حد با به کارگیری مفهیمی نظیر چارچوبها، شبکه ها و خزانه منازعات که می تواند از سوی یک نظریه پرداز متعلق به مکتب فرایند سیاسی مطرح شود، متفاوت است؟

کراسلی انکار نمی کند که نظریه های بسیج منابع، فرایند سیاسی و جنبشهای جدید اجتماعی، بینشهای باارزشی در مورد پیدایش و تحول جنبشها ارائه می کنند. با این حال، او از «جست و جو برای یک عامل کلیدی - و یا توالی کلیدی دو یا سه عامل - که باعث به راه افتادن جنبشها یا تظاهرات می شود» انتقاد می کند: تحلیل گران اعتبار خود را با شرط بندی بر سر مرکزیت «شبکه ها»، «فرصتها» یا «منابع» به قمار گذاشته اند، و از توجه به «گرایشها» یا «اعتقادات» خودداری کرده اند... (ص ۵۳)

لذا، قسمت دوم دستور کار کراسلی احیای مدل ارزش افزوده اسملسر است که برای نخستین بار در سال ۱۹۶۲ انتشار یافته است. به نظر کراسلی در حالی که محققان جنبشهای اجتماعی از سالهای ۱۹۷۰ به بعد گرایش به این داشته اند که اسملسر و معاصرانش را نادیده بگیرند، مفیدترین بینشهای سی سال اخیر، در واقع کشف مجدد عواملی بوده است که اسملسر برای نخستین بار بر آنها تأکید کرده بود.

مدل ارزش افزوده، فراموشی جنبشهای اجتماعی را به صورت محصول بر هم کنش شش عنصر که از لحاظ تحلیلی متفاوت اند در نظر می گیرد، و هر یک از این عناصر مشابهاً خود را در نظریه های جدیدتر جنبشهای اجتماعی می یابند. «زمینه مساعد ساختاری» اسملسر جای خود را به فرصتهای سیاسی تیلی و تارد داده است و «بسیج شرکت کنندگان برای کنش» اکنون به صورت ایده های بسیج منابع و شبکه های اجتماعی توسعه یافته است. بار دیگر، به همان میزان که این طرح نویدبخش است، اما فایده تجربی آن چندان مشخص نشده است.

خواننده کتاب، چه نسبت به دستور کار وسیع کراسلی بدگمان باشد و چه به وسیله آن متقاعد شود، از بینشهایی که در مورد نقش معنا و ساختار در جنبشهای اجتماعی در این اثر وجود دارد، بهره خواهد برد. اکیداً توصیه می کنم که کتاب فهم جنبشهای اجتماعی به برنامه درس جنبشهای اجتماعی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی افزوده شود. همچنین مطالعه این کتاب را به تمام کسانی که در حوزه جنبشهای اجتماعی کار می کنند توصیه می کنم.

پی نوشت:

*Carla Eastis